

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ جنوری ۲۰۲۱

"غنی احمدزی" بین دو سنگ آسیاب!!

شنبه - ۲۷ جدی ۱۳۹۹ - کابل: در روابط شخصی، اجتماعی و سیاسی یکی از دشوارترین لحظات می تواند زمانی باشد که فرد مورد نظر چه به مثابه یک فرد و چه هم به مثابه یک مقام در موقعیتی قرار گیرد، که نه امکان رفتن به جلو را داشته باشد و نه هم امکان عقبگرد و رفتن به عقب. یعنی در حالتی قرار گیرد که مردم نکته سنج کابل در یک جمله آن را فشرده ساخته، گفته اند: "پیش رو شاخ گاو، در عقب ...خر".

هرگاه خواسته باشیم موقعیتی را که فعلاً "غنی احمدزی" در آن قرار دارد، دقیقاً تحلیل نماییم مصداق کامل همان ضرب المثل شده می تواند، زیرا:

"غنی احمدزی" جهت ادامه حیات سیاسی خودش و باندش ناگزیر است وقتی به جلو نگاه می نماید، طالب را با تمام طول و عرض من جمله حامیان داخلی و خارجی آنها می بیند. طالبی را که زمانی خودش به منظور تضعیف شرکای قدرتش اعم از باندیست های دوستی و داعیان اسلام سیاسی، تقویت کرده و از آنها آنچه ساخته است که امروز هستند، می بیند که به چیزی کمتر از تصرف کامل قدرت راضی نبوده، بزرگترین گذشتش را درقبال "غنی احمدزی" و بقیه جوایس تکنوکراتی که مشترکاً با وی و "کرزی" افغانستان را چور نموده میلیارد ها دالر از پول های کمی و قرضه ها را به یغما برده اند، فقط زنده گذاشتن آنها بعد از بیرون کشیدن پول های غارت کرده از حلقوم شان اعلام داشته است و عده ای که انجام آن افرادی را در کشور های اشغالگر نیز تحریک و تشویق می نماید تا از این خوان یغما بی بهره نمانند.

همین "غنی احمدزی" زمانی که از زیاده خواهی های طالب به ستوه می آید و فکر می کند نظری به عقب انداخته از شرکای دیروزش استمداد بجوید، در آنجا هم کسانی را از قماش "دوستم، گلبدین، سیاف، محقق، خلیلی، عبدالله، قانونی" و بقیه سگان هار برخاسته و وابسته به اسلام سیاسی را می بیند که اساساً از چنان اشتباهی سیری ناپذیری برخوردارند که حتا حاضر نیستند، کمترین توجهی به توانائی های "غنی احمدزی" و حاکمیت دست نشانده نمایند. برای آنها فقط یک اصل وجود دارد: "اگر نه هم هستی بزای و اگر ماده هم هستی بزای" به جنسیتش کاری ندارند.

این وضع در همین چند روز گذشته خود را عملاً نشان داد و آنهم زمانی بود که حاکمیت دست نشانده آگاهانه و مطابق به نیاز مالی حاکمیت، تصمیم گرفت تا از تعداد محافظان این جنایتکاران بکاهد. آنها که هرکدام تا حال به صد ها تن را از کیسه مردم به حیث نگهبان شخصی شان در خدمت داشته و دارند، از این که دولت دست نشانده تصمیم گرفته تا از

تعداد نگهبانان آنها اندکی بکاهد، یعنی جهت محافظت هریک از جنایتکارانی چون "دوستم و گلبدین" ۱۸۰ نفر، برای "محقق" ۱۵۰ نفر و برای "خلیلی" ۱۲۰ نفر نگهبان و محافظ از کیسه من و تو نگهبان بگذارد، حضرات ناراض و شاکی اند که آن تعداد نگهبان برای امنیت شان کافی نیست.

هموطنان گرامی!

هرگاه واقعیت های تاریخ بیش از ۴ دهه اخیر را در نظر بگیریم، این افراد همه و بدون استثناء کسانی اند که دست شان تا مرفق به خون خلق ما آغشته بوده، به هر کجا پای گذاشته اند، خطی از خون و آتش و تلی از اجساد قربانیان را در قفا گذاشته اند. یعنی این آنها نیستند که نیاز به نگهبان دارند، بلکه این مردم مظلوم و تحت ستم کشور است که نیاز به نگهبان دارند تا از شر فساد و جنایات این باند های جنایتکار محافظت شوند.

این که می نویسم در جلو "غنی احمدزی" همان "شاخ گاو" و در عقبش "...خر" وجود دارد، دقیقاً به همین منظور است زیرا نه جلو رفته می تواند و نه هم راه عقبگرد دارد.

هموطنان گرامی!

این در ماهیت و ذات حاکمیت های دست نشانده و مزدور نهفته است که می باید برای بقای شان همیشه باج دهند. به مخالفان و رقبای داخلی باج دهند، به طیف های وسیعی از مداخله گران و دشمنان خارجی باج دهند تا خود را حفظ نمایند. چنین حاکمیت هائی نمی توانند خود را از باج دهی نجات دهند.

هموطنان گرامی!

حاکمیت هائی که به خلق خود متکی نباشند، ناگزیر اند برای بقای شان به دشمنان خلق باج دهند، این قاعده به خواست و اراده افراد مربوط نیست مقتضای ماهیت و طبیعت حاکمیت دست نشانده و دشمن مردم چنین می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!